رئیس‌جمهور: اتحادیه اروپایی نباید تحت‌تأثیر فشارها و یکجانبه‌گرایی آمریکا قرار گیرد

رئیس‌جمهور هنگام دریافت استوارنامه «کاری کاهیلوتو» سفیر جدید فنلاند در ایران گفت: امیدواریم اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی بتوانند در مسیر استقلال راهبردی پیشرفت کرده و خود را از سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا جدا کنند؛ چرا که یکجانبه‌گرایی آمریکا به نفع جهان نیست.

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان دیروز هنگام دریافت استوارنامه کاری کاهیلوتو سفیر جدید فنلاند در ایران گفت: امیدواریم در دوره مأموریت شما شاهد روابط خوب و درخشان دو کشور باشیم. رئیس‌جمهور ضمن تاکید بر لزوم پایبندی اروپا به تعهدات خود در قبال ایران، خطاب به سفیر جدید فنلاند گفت: امیدواریم در آستانه ۹۰سالگی روابط دو کشور و در دوره مأموریت شما شاهد گسترش روابط ایران و فنلاند باشیم. سفیر جدید فنلاند، ایران را یکی از کنشگران کلیدی منطقه توصیف کرد و با ابراز تمایل به همکاری با ایران در حل مسائل منطقه‌ای همچون افغانستان دانست.

بخش ناگفته توسعه ژاپن

فارغ از این مثال لازم به یادآوری است در همین ژاپن نیز که آقای امین‌زاده به‌عنوان نمونه موفق «غرب‌مداری» در توسعه نام می‌برند، در جریان جنگ جهانی اول در شرایطی که این کشور در اوج تنش با غرب بود، با توسعه تقاضا برای صنایع نظامی و صنایع سنگین، جهشی عظیم در اقتصاد صنعتی‌اش رخ داد به‌شکلی که تا سال ۱۹۲۰، بخش صنایع کارخانه‌ای بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۹۱۴ رشد داشت. ژاپنی‌ها با بهره‌گیری از فرصت پیش آمده، از طریق انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر به سمت صنایع جدیدی چون کالاهای برقی، هواپیماسازی و... روی آوردند و به ارتقای کیفیت محصولات پرداختند.[۱] البته توضیح این نکته لازم است که در آن مقطع نهادهای بین‌المللی سیاسی و اقتصادی موثر بر فرآیند توسعه وجود نداشت و لذا در شرایط حاضر، وجود نهادهای بین‌المللی اقتصادی و سیاسی، همگی موثر بر فرآیند توسعه هستند اما این‌که این تاثیر در نتیجه یک تفسیر ساده‌انگارانه به‌عنوان «کلید توسعه» تلقی شود، ایده‌ای سیاسی بوده و قابل اعتنا نیست. تجربه هشت ساله دولت روحانی که می‌توان از آن به‌عنوان «آزمایشگاه توسعه وابسته» در ایران نام برد، نمونه عینی شکست‌خورده این شکل از توسعه‌گرایی است.

در پاسخ به چرایی توسعه ژاپن مقاله دیگری نیز وجود دارد که با دید کل‌نگرانه‌ای با تحلیل فرهنگ، مذهب، تاریخ و... ژاپن، تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد. می‌توان این مقاله را با نوشته اخیر دکتر امین‌زاده مقایسه کرد. «راز سرزمین آفتاب» ازجمله نوشته‌های مهم شهید سیدمرتضی آوینی است که در مجموعه آثار او به‌عنوان مقاله اول در کتاب «فردایی دیگر» منتشر شده است. این مقاله تلاش دارد با رهیافتی فرهنگی و تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که «چرا ژاپن پذیرای توسعه بود؟» در این یادداشت شهید آوینی تاثیر دین شینتو، نگره‌های اساطیری ژاپن، امپراتوری یاماتو، سنت بوشیدو و... را بر فرآیند توسعه ژاپن مورد بررسی قرار داده تا پاسخی فرهنگی، تاریخی و... بر پرسش خود بیابد. مقایسه این دو یادداشت نشان‌دهنده دو فهم متفاوت از توسعه است: اولی توسعه را امری سیاسی، پروژه‌ای و ساده‌انگارانه می‌داند و دیگری توسعه را امری پیچیده، چندوجهی و دارای ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و پروسه‌ای(فرآیندی) می‌نگرد.

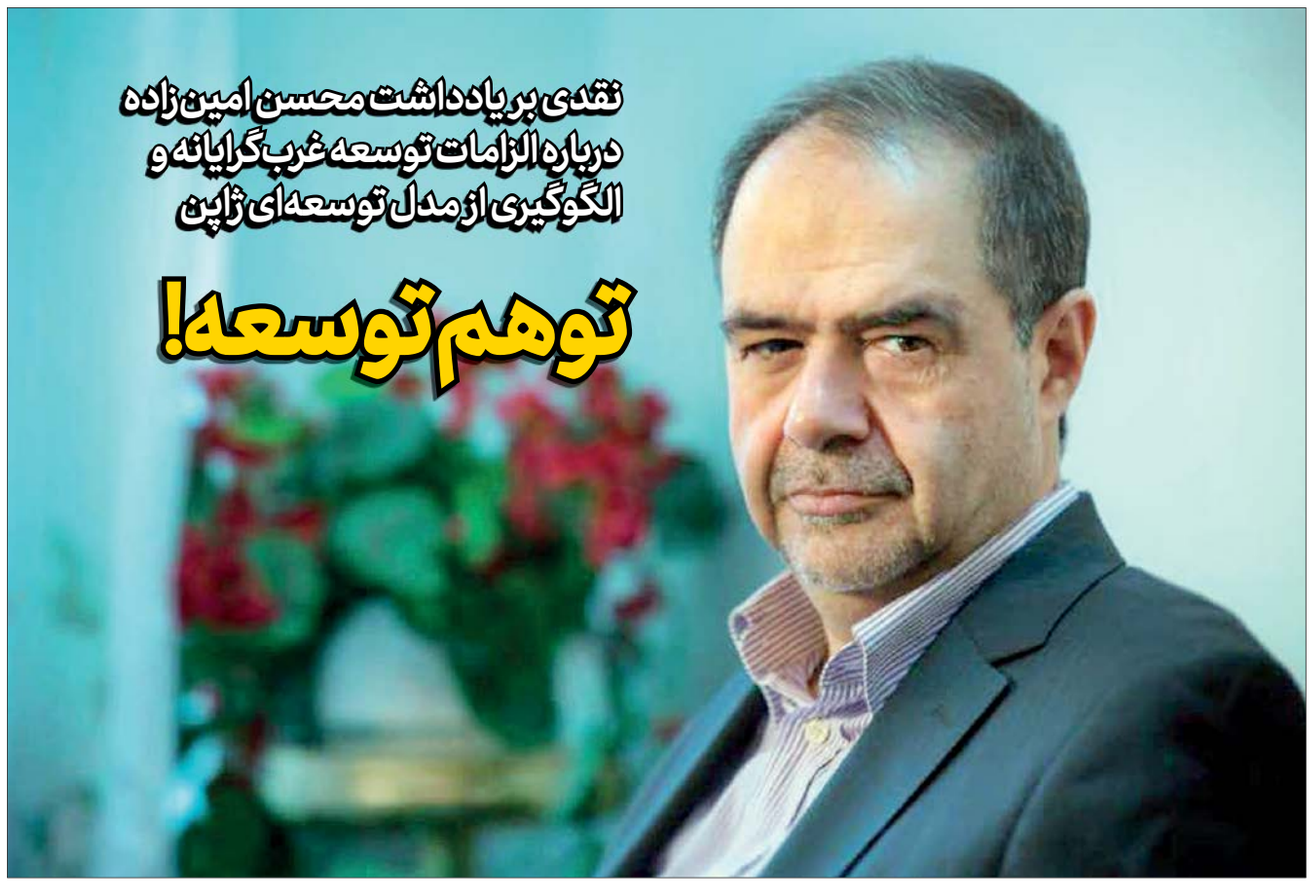

نقدی بر یادداشت محسن امین‌زاده درباره الزامات توسعه غرب‌گرایانه و الگوگیری از مدل توسعه‌ای ژاپن

توهم توسعه!

جعفر حسن خانی

سیاست پژوه

محسن امین زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و از دولتمردان دولت اصلاحات درشماره هفتم ماهنامه مشق فردا، یادداشت مفصلی باعنوان «استراتژی توسعه ملی؛چین یا کره شمالی» منتشر کرده است. در گزیده‌ای از این یادداشت که آن نیز به شکل جداگانه در پایگاه اینترنتی مشق‌نو منتشر شده است، ایشان ۱۱ توصیه را با توجه به تجربه ژاپن درباب سیاست خارجی به دولت جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده که از جمله مهم‌ترین محورهای آن پیشنهادها از قرار زیر است: «از رهبران ژاپن بیاموزید که مواضع نظامی‌گرا و راهبردهای نظامی خشن و متجاوزشان با شکست در جنگ جهانی دوم به انتها رسید. از ژاپن بیاموزید با راهبرد تنش‌زدایی و اعتمادسازی مداوم با جامعه جهانی، به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای هسته‌ای جهان بدل شد. از ژاپن بیاموزید که رفع بحران‌های ملی و اقتدار اقتصادی نیاز به سیاست خارجی قدرتمند، موفق و پویا و اعتماد سازی با جامعه جهانی دارد. از ژاپن بیاموزید و از توهم موهوم حل بحران تحریم‌ها با نمایش تشدید اقتدار نظامی و هسته‌ای و تهدید دیگران دوری کنید و افتخار نجات کشور از این دام هستی‌سوز به‌ظاهر انقلابی تندروها و دولت پنهان را به نام دولت خودتان ثبت کنید. از ژاپن بیاموزید و سرنوشت دیپلماسی و سیاست‌ورزی بین‌المللی و منطقه‌ای را به دست خردمندان غیرنظامی بسپارید.»

به نظر می‌رسد ایده اصلی آقای امین‌زاده در این یادداشت تأکید بر این نکته است که کلید توسعه در گرو «رضایت سیاسی غرب» است. شاید بتوان از این ایده با عنوان «غرب‌مداری» در توسعه نام برد و آن را پیش‌درآمد «توسعه وابسته» دانست. پیش فرض نویسنده محترم درباره توسعه در این یادداشت این است که راه توسعه کشورها از منزلگاه رضایت سیاسی غرب می‌گذرد و چاره‌ای جز وقوف در این منزلگاه نیست و بدون آن نمی‌توان توسعه را برای کشور به ارمغان آورد. این سخن را می‌شود گوهر ایده توسعه‌گرایی اصلاح‌طلبان و دولتمردان دولت اعتدال هم دانست. به همین منظور همواره طی این سال‌ها با غرب‌مداری در توسعه، الگوی توسعه وابسته و سیاست خارجی توسعه‌گرا به‌عنوان تنها راه و مهم‌ترین راه تحقق توسعه از سوی این جریان مورد تأکید قرار گرفته و توان کشور در سال‌های اخیر صرف آن شده است. این خوانش از توسعه جهان و تاریخ توسعه ژاپن، چین و کره جنوبی ضمن آن‌که گزینشی است و ناکافی، مؤید فهم سیاسی و سطحی از توسعه نیز هست. در خوانش امین‌زاده و همفکران او از توسعه‌گرایی ژاپن، تأثیر تاریخ، جامعه، فرهنگ و سنت‌ها در فرآیند توسعه همه غایب هستند. این نگرش سطحی و به‌شدت سیاسی و ساده انگارانه از توسعه هیچ تناسبی با توسعه‌گرایی غربی ندارد.

فرجام سخن

فارغ از این پرسش‌های مهم که:۱- آیا توسعه، خارج از تاریخ تمدن غرب به چه میزان امکان تحقق دارد؟ و ۲- زیست‌بوم‌های غیرغربی چه نسبتی با توسعه می‌توانند داشته باشند؟ و ۳- درباره توسعه باید توجه داشت که توسعه «فرآیندی» بلندمدت و چندبُعدی و دارای وجوه و الزامات تمدنی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... است. توسعه «پروژه» کوتاه‌مدت و فست‌فودی و تک‌متغیره نیست. شوربختانه این فهم از توسعه در ایران، توسعه‌گرایان بسیاری را تبدیل به دُن‌کیشوت‌های توسعه کرده است.

همین فهم پروژه‌ای از توسعه و نگاه فست‌فودی و ساده‌انگارانه به توسعه بود که در ابتدای دهه ۱۳۷۰ شمسی موجب شد سعید حجاریان، معاون سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری پروژه توسعه سیاسی را در کشور با عنوان پروژه «توسعه و نوسازی سیاسی» آغاز کرده و دنبال کند. او در این‌باره در بهار ۱۳۸۹ به مجله علوم انسانی مهرنامه چنین می‌گوید: «به همراه بهزاد نبوی، محسن آرمین، هاشم آغاجری، عباس عبدی، علیرضا علوی‌تبار، حسین بشیریه و برخی دیگر از استادان دانشگاه روی این پروژه‌ها کار کردیم اما حاصل این کار چندان مورد استفاده مسؤولان قرار نگرفت، به همین علت خودمان تصمیم گرفتیم که این پروژه را اجرا کنیم.» آنان با درک پروژه‌ای از توسعه سیاسی، دُن‌کیشوت‌وار خود تصمیم گرفتند با به‌دست گرفتن سازمان دولت و نهاد قدرت آن را در جامعه ایران اجرا کنند. ریشه‌های شکست ایده توسعه سیاسی در جریان اصلاح‌طلبی و تبدیل آن به تراژدی-کمدی توسعه سیاسی را باید در همین فهم ساده‌انگارانه، فست‌فودی و پروژه‌ای از توسعه دانست.

ساده‌سازی توسعه ره زن است و برگمراهی بیشتر درباره توسعه می‌انجامد و تحقق آن را دشوارتر می‌کند. یکی از دشواری‌های توسعه در ایران، خوانش‌های ساده‌انگارانه، سیاسی و ناکافی از توسعه است. تجربه‌های تاریخی توسعه‌گرایی چه آنان که موفق شده‌اند و چه آنان که شکست خورده‌اند؛ نیازمند بازخوانی همه‌جانبه، غیرسیاسی، عمیق و دقیق هستند. خوانش‌های سیاسی از توسعه در بیشتر موارد به اگزجره و بزرگ‌نمایی راه‌حل‌های ناکافی و گاها گمراه‌کننده‌ای می‌شود که فایده آن سیاسی و جناحی است آن هم گاهی به قیمت از دست رفتن فرصت و ظرفیت‌های ملی. همچنین خوانش‌های پروژه‌ای و نه پروسه‌ای از توسعه و فهم فست‌فودی از آن در بیشتر موارد تبدیل به کارخانه تولید دُن‌کیشوت‌های توسعه‌گرایی می‌شود که با توهم توسعه به پیکار و مبارزه با جامعه خود می‌رود.

[۱] ایمان حقیقی. توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن. راهبرد یاس ۱۳۸۴ شماره ۴.

نمونه‌های شکست خورده

از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها در این‌باره، نمونه شکست خورده کشور مصر است؛ کشوری که نه تنها رضایت سیاسی قدرت‌های بزرگ را تأمین کرده بلکه رضایت سیاسی دشمن خود یعنی رژیم صهیونیستی را هم تأمین کرده اما هیچ راهی به توسعه نبرده بلکه راه زوال را در پیش گرفته است و غرب به جای تضمین دموکراسی و توسعه در مصر، مدل اقتدارگرایی بروکراتیک را تایید کرده و هم‌پیمان با نظامیان این کشور شده است.

از دیگر مصادیق شکست خورده دولت‌های اقتدارگرای بروکراتیکی که سیاست توسعه وابسته را دنبال می‌کردند و به دنبال رضایت سیاسی غرب و جذب سرمایه خارجی بودند، می‌توان به برخی کشورهای آمریکای لاتین طی دهه۱۹۶۰ اشاره کرد. برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه با فهمی شبیه آنچه آقای امین‌زاده در یادداشت خود طرح می‌کند، سیاست‌های توسعه‌ای خود را در چارچوب سیاست توسعه وابسته دنبال کردند که نتیجه آن چیزی نبود جز:

۱- ورشکستی اقتصادی و برجای ماندن بدهی‌های عظیم پولی برای کشور

۲- شکل‌گیری انحصار و انسداد سیاسی و سیاست زدایی از جامعه

۳- تعمیق سرمایه‌داری وابسته و شکل‌گیری طبقه اقتصادی وابسته‌ای که از سیاست‌های غربی در کشور خود ذی‌نفع است. در این باره برای مطالعه بیشتر می‌توان به نظرات گلیرمو اودانل مراجعه کرد. به نظر آقای امین زاده و همفکران او در کنار مطالعه نمونه‌های موفق توسعه، لازم است با نگاهی جامع‌نگرانه و نه ساده‌انگارانه و تک متغیره، نیم نگاهی هم داشته باشند به نمونه‌های ناموفق توسعه که کم نیستند و بسیار هم عبرت آموزند.

نگاهی به گزینه‌های روی میز مذاکرات هسته‌ای از سال ۲۰۰۳ تاکنون

از کیك زرد تا کیك تولد

میثم امیری

نویسنده

در ظلمات شب، دو راننده با سرعت سرسام‌آوری به سمت هم می‌رانند. جاده باریك است و دو طرف جاده هم پر از پرتگاه است. یکی از سواری‌ها که غول‌پیکرتر است مدام به سمت روبه‌رو بوق می‌زند و نور بالا می‌دهد تا راننده از جاده منحرف شود. اما راننده سواری روبه‌رو با آن‌که سواری کوچکی دارد ولی جسور است و گوشش بدهکار توصیه‌های خوردروی غول‌پیکر نیست. آن چراغ می‌دهد و این بی‌اعتنا می‌راند. با آن‌که شب است، ولی او عینك آفتابی می‌زند. بعد بطری مشروبش را از ماشین بیرون می‌اندازد. یعنی من مستم و به هیچ چیز توجه ندارم. در لحظه آخر، آن دو جوری از کنار هم رد می‌شوند که اگر یك مرغ بین این دو خودرو باشد، بریان می‌شود.

این راهبرد به راهبرد مرغ بریان مشهور است. ایران در سال‌هایی که صنعت هسته‌ای‌اش پیشرفت می‌کرد، کم و بیش از این راهبرد استفاده می‌کرد. اما شیوه درست اجرای آن تعیین‌کننده است وگرنه به نابودی منجر می‌شود. کنار کشیدن هم خطرناك است، چون جاده پر از پرتگاه است. اما رئیس‌جمهور وقت ایران نمی‌توانست از این خوردنی‌ها نام ببرد، مشروب در رده ممنوعات است. او اعلام کرد: «ترمز قطار هسته‌ای را دور انداخته‌ایم».

این درست وقتی بود که غربی‌ها داشتند از خوراکی‌ها تحقیرآمیز مثل هویج و چماق استفاده می‌کردند. آنها معتقد بودند که هویج را جلوی صورت ایران می‌گیریم و بعد با چماق توی فرق سرش می‌کوبیم. حتی آنها فیلم ۳۰۰ درست کردند. می‌گویند آنها از یك ایده فرانسوی استفاده کردند. می‌گفتند برای پختن قورباغه، آن را در یك ماهیتابه آب سرد قرار دهید. بعد کم‌کم شعله را زیاد کنید. قورباغه متوجه نخواهد شد. ولی کم‌کم از حال می‌رود و بعد می‌میرد و آب‌پز می‌شود. اما این راهبردها در برابر ایران شکست خورد. هرچند اجرای راهبرد مرغ بریان هم برای ایران کم‌هزینه نبود و حتی به تحریم‌های غیرانسانی، مثل تحریم دارو منجر شد. میز مذاکرات هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۲ تشکیل شد. یك بار هم به سنت برخی ایرانیان، آب‌معدنی‌ها را توی یك سینی مدور استیل وسط میز گذاشته بودند. سه وزیر خارجه اروپایی به تهران می‌آمدند تا به نتیجه برسند. آن روزها ظریف نفر دوم و روحانی نفر اول طرف ایرانی بودند. سرعت تصمیم‌گیری‌ها نسبتا بالا بود. بخش مهمی از برنامه هسته‌ای ایران تعلیق شد تا پرونده ایران به شورای امنیت نرود. نیاز به دیدارهای صمیمی‌تر حس نمی‌شد. گویی وقت نبود.

انتخابات سال ۱۳۸۴ یك انقلاب در برنامه هسته‌ای ایران به دنبال داشت. دیگر برای ایران مهم نبود که روی میز چه می‌چینند. ایران تصمیم گرفته بود برنامه هسته‌ای خود را گسترش بدهد. آن‌موقع علی لاریجانی مسوول تیم مذاکره‌کننده ایرانی بود. جك استراو در خاطراتش می‌نویسد وقتی حسن روحانی رفت، ما دیگر نمی‌فهمیدیم که ایرانی‌ها چه می‌گویند و ایرانی‌ها هم نمی‌فهمیدند که ما چه می‌گوییم. به نظر استراو، روحانی مثل یك اسقف فهمیده و هوشیار بود.

اما «ما با شکلات راضی نمی‌شویم.» این را علی لاریجانی ۱۵سال پیش گفت، وقتی بعد از حسن روحانی سکان پرونده هسته‌ای را به دست گرفت. علی لاریجانی، درس‌خوانده فلسفه آن روزها، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی بود. او از مذاکرات پیشین راضی نبود. او معتقد بود آنها دُر غلتان داده‌اند و آبنبات چوبی گرفته‌اند. لاریجانی از مذاکره‌کننده‌هایی انتقاد کرد که بعدها حامی‌شان شد. او در قانون شدن برجام، نقش مهمی داشت. پس از امضا، اورانیوم غنی‌شده می‌دادند و کیك زرد می‌گرفتند. کیك زرد از قضا خوردنی نیست و برای تهیه سوخت رآکتور از آن استفاده می‌شود. بعد از لاریجانی، سعید جلیلی به میز مذاکرات رفت. تصاویر از دیدارهای جلیلی نشان می‌دهد که همه چیز رسمی پیش می‌رفت. گویا جلیلی علاقه‌ای به سفره‌آرایی یا مذاکرات روی میز غذا نداشت. جلیلی ابا داشت از این‌که مذاکرات باعث شود ایران چیزی را از دست بدهد که دیگر نتواند به آن برسد. ویلیام برنز، فرستاده آمریکا در موضوع هسته‌ای با سعید جلیلی دیدار داشت. آن دو، دور یك میز صیقلی چوبی نشستند، ولی جلیلی کوتاه نمی‌آمد. خاطرات برنز نشان می‌دهد جلیلی به انقلاب اسلامی معتقد بود و بر اعتقادش پافشاری می‌کرد. کار به تشریفات دیگر نمی‌کشید. بعدها جلیلی متهم شد که پای میز مذاکره بیانیه می‌خواند. آن هم مذاکراتی که تا ساعت‌ها به طول می‌کشید و گویی برای غرب عایدی نداشت. در دوره ظریف، اشتون به ایران آمد و دوباره جلیلی را ملاقات کرد. روی میز عسلی بین آن دو نفر، به‌جز آب، کلوچه‌های کوچکی در کاسه‌ای جمع‌وجور گذاشته شد. دیدار دوستانه بود، نه رسمی و تعیین‌کننده.

میز مذاکرات بزرگ‌تر ندارد. دو طرف روبه‌روی هم می‌نشینند. غذاها روی دو میز باید برابر تقسیم شود. مثل میز ظریف و موگرینی. اما روی میز طرف ایران یك آبمیوه بیشتر دیده می‌شد که آن هم آب پرتقال بود. با این‌که روی میز همه چیز کمی نامنظم به نظر می‌آمد، ولی خوردنی‌ها حساب‌شده تقسیم شده بود. گویی رسم است دو طرف به یك میزان بخورند. تعداد صبحانه‌های ظریف بالا بود. انگار روی میز غذا راحت‌تر می‌توانست صحبت کند و امتیاز بدهد و امتیاز بگیرد. ظریف حتی برای رئیس‌جمهور وقت هم در نیویورك صبحانه تنظیم می‌کرد تا با رسانه‌های آمریکایی صحبت کند. قرعه به نام رسانه‌های داخلی نیفتاد؛ شاید آنها آداب صبحانه خوردن را رعایت نمی‌کنند و چنگال را با دست راست و چاقو را با دست چپ می‌گیرند.

جشن تولد چرچیل در تهران با حضور استالین

جشن تولد رییس جمهور چین به همت پوتین

عکسی از صبحانه کاری ظریف و کری، وزیر خارجه وقت آمریکا در دست نیست. البته آنها این امکان را نداشتند تا چیزی بخورند. چون دست‌های هر دو نفر توی جیب‌های‌شان بود. پیاده‌روی با دست‌های توی جیب شلوار رسمی کار ساده‌ای نیست. برخی در ایران گفتند حالا چه اصراری بود؟ اما ظریف به تصویرهای خلاف‌آمد عادت، علاقه داشت. او چند باری هم روی ویلچر دیده می‌شد و با آن، پای میز مذاکرات می‌رفت. در ایران اعتراض شد که این موضع ضعف ما را نشان می‌دهد. اما کمردرد ظریف دیپلماتیك نبود، هرچند معنای سیاسی مثبتی از آن دریافت نمی‌شد.

ماجرای کیك و مذاکرات هسته‌ای تنها به کیك زرد ختم نمی‌شود. عکسی در فضای مجازی هست که نشان می‌دهد وزیر خارجه فعلی، حسین امیرعبداللهیان دو دستش را موازی با هم بالا آورده است. هر دو دست به سمت خودش مشت شده است. انگار می‌خواهد مطلب سختی را توضیح بدهد. پنج سال پیش دانشجویان روابط بین‌الملل برایش جشن تولد گرفتند و همین عکس را روی کیك انداختند. روز معلم در یك چهارم پایانی ترم است و خاطره خوش آن روز تا روز امتحان پایان‌ترم در یاد استاد خواهد ماند، اگر باوفا باشد و از دانشجویان زرنگ‌تر نباشد. عکس ساعتی بعد به‌جای میان‌وعده دانشجویان بلعیده شد. مورا، فرستاده اروپایی‌ها و چه‌بسا آمریکایی‌ها به ایران آمد تا تضمین بگیرد ایران و آمریکا سرِ یك میز می‌نشینند. آمد و شدها نماینده اروپایی‌ها در موقعیتی بود که به قول خود آنها «موقعیت حساس کنونی» قلمداد می‌شد. فرد مسوول در معاونت وزارت خارجه ایران، دید مورا متولد میانه ماه اکتبر است. لابد پیش خودش گفت حالا چه عجله‌ای است! کیکی تهیه کرد و سر میز مذاکرات برد. عکسی منتشر نشده تا ببینیم کیك به رنگ قهوه‌ای هست یا نه؛ رنگی که متولدین این ماه به آن علاقه دارد. تازه اگر فرد حاضر در معاونت وزیر خارجه ایران بیشتر دقت می‌کرد، برای مورا رز سفید می‌برد تا مورا را بیشتر خوشحال کند؛ متولدین اکتبر به حفظ تعادل در مذاکرات هم علاقه‌مند هستند. مثل دیپلماتی که در تهران علیه واشنگتن صحبت می‌کند و در واشنگتن علیه تهران؛ بستگی دارد صبحش صبحانه کجا را خورده باشد. اقدام متقابل: طرف ایرانی علی باقری‌کنی هم روز تولدش را در سایت‌ها بارگذاری کند. با این حال مورا هنوز نم پس نداد که در جلسه جشن تولد چه گذشت و برایش همان ۱۰۰ سال زنده باشی را خواندند یا ترانه‌های غیرمجاز را ترجیح دادند. اما جشن تولد معمولا بین صمیمی‌ترین دوستان برگزار می‌شود. ممکن است فرد از این‌که در جلسه‌ای رسمی برایش جشن تولد گرفته‌اند، معذب باشد. البته جشن تولد در مذاکرات ممکن است. همان ویلیام برنز که با جلیلی مذاکره می‌کرد، با کالین پاول (وزیر خارجه دولت جورج بوش) در قطار جشن تولد گرفت. پوتین هم برای رئیس‌جمهور چین جشن تولد گرفت و به دوستی عمیقش با شی اشاره کرد. یك جشن تولد سیاسی با موضوعات روشن و شوخی‌های اندازه؛ فیلمش در یوتیوب دیدنی است. اما جشن تولد مورا در تهران، کمتر این ویژگی‌ها را داشت. جشن تولد ۶۹سالگی چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس در تهران از یادها نمی‌رود. تولد چرچیل در آن مراسم با حضور استالین گرامی داشته شد و چه چیزی از این تلخ‌تر برای تهران می‌توانست باشد؟

وزارت خارجه ایران باید یك‌دست پیش برود. این مهم نیست که وزارت خارجه برای طرف فرنگی جشن تولد یا مراسم هالووین بگیرد، مهم این است که باقی فعالیت‌هایش با این اقدام هماهنگ باشد. یادمان می‌آید که ۱۵سال پیش چند افسر نیروی دریایی انگلیس به خاطر تجاوز به آب‌های سرزمینی ایران بازداشت شدند. موقع آزاد کردن این افراد، کت‌وشلوار شیك به آنها پوشاندند و رئیس‌جمهور وقت به بدرقه‌شان آمد و با سوغاتی راهی‌شان کرد. آن دستگیری و حفظ عزت به چنان بدرقه‌ای نمی‌خواند. مهم این است که رفتارها از یك منطق پیروی کند. وقتی انریکه مورا از ایران رفت، با شاهزاده فیصل‌بن فرحان سعودی دیدار کرد. مکان نشستن شاهزاده برتری داشت. سر میز مورا یك بطری آب معدنی و یك ژل ضدعفونی دیده شد.